

نقش واسطه ای سبک های عشق ورزی در رابطه بین ویژگی های شخصیتی و رضایت زناشویی

فائزه صلائیانی^۱، محمدجواد اصغری ابراهیم آباد*^۲، کاظم رسول زاده طباطبائی^۳ و راضیه عباسزاده روگوشوئی^۴

چکیده:

رضایت زناشویی یکی از مهمترین مولفه در ایجاد ثبات رابطه زناشویی است و شخصیت و سبک های نگرش و نوع ابراز عشق زوجین بر روابط زناشویی آن ها تأثیر می گذارد. هدف پژوهش حاضر بررسی نقش واسطه ای سبک عشق ورزی در رابطه بین ویژگی های شخصیتی با رضایت زناشویی در افراد متأهل شهر مشهد بوده است. این پژوهش از نوع همبستگی بوده است. ۳۴۴ زن و مرد متأهل به صورت نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند و پرسشنامه های رضایت زناشویی انریچ، مقیاس نگرش های عشق (LAS) و پرسشنامه شخصیت NEO-FFI را تکمیل نمودند. داده ها با استفاده از همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون گام به گام و مدل یابی معادلات ساختاری (SEM) و از طریق نرم افزارهای SPSS و AMOS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. نتایج نشان داد که بین ویژگی های شخصیتی و سبک عشق ورزی با رضایت زناشویی همبستگی معناداری وجود دارد ($p < 0/01$) و همچنین نتایج رگرسیون حاکی از آن بود که سبک های عشق ورزی و ویژگی های شخصیتی می توانند ۳۴ درصد از واریانس رضایت زناشویی را تبیین کنند ($P < 0/001$). نتایج نشان داد که در رابطه بین ویژگی های شخصیتی و رضایت زناشویی، سبک های عشق ورزی نقش واسطه ای ایفا می کند و برازش مدل نهایی مورد تأیید قرار گرفت. براساس یافته های تحقیق، ویژگی های شخصیتی و سبک های عشق ورزی می توانند رضایت زناشویی را پیش بینی کنند.

کلید واژه ها: رضایت زناشویی، ویژگی های شخصیتی، سبک های عشق ورزی، افراد متأهل

^۱ دانشجوی دکتری مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

^۲ استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول، ایمیل: Mjasghari@um.ac.ir)

^۳ دانشیار گروه روانشناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران و گروه روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد

^۴ کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، عضو باشگاه پژوهشگران جوان و نخبگان، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

Mediating role of loving Styles in the relationship between Personality characteristics and marital satisfaction

Salayani F¹, Asghari EbrahimAbad MJ^{2*}, Rasoolzadeh Tabatabaei SK³, Abbaszadeh Rougoushouee R⁴

1. *Ph.D. student of counseling, Faculty of education and psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran*
2. * *Department of psychology, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran (Corresponding author, Email: Mjasghari@um.ac.ir)*
3. *Department of psychology, Tarbiate Modarress, Tehran, Iran and Department of psychology, Ferdowsi University of Mashhad*
4. *Master in Clinical Psychology, Young Researchers and Elite Club, Mashhad branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran*

Abstract

Marital satisfaction is one of the most dimensions creating couples' relationship stability. Personality traits and love styles have an impact on marital relationships. The aim of this study was to determine the mediating role of loving style in relationship between personality characteristics and marital satisfaction among married individuals in Mashhad. This study was a descriptive-correlational study. In this study, 344 married individuals in Mashhad, were selected through cluster sampling and they completed loving style scale, NEO-FFI and Enrich marital satisfaction. Pearson's correlation, stepwise regression and Structural Equation Modeling (SEM) were used to analyze the data through SPSS and AMOS software. The results showed that there were significant correlations between personality characteristics, loving styles and marital satisfaction ($p < 0/05$). Regression analysis showed that personality characteristics and loving styles predicted 34 percent variances of marital satisfaction ($p < 0/001$). Results also showed personality characteristics effect through love styles on marital satisfaction. Conceptual model of marital satisfaction was fit. According to finding loving styles and personality characteristics can predict marital satisfaction among married individuals.

Keywords: Marital satisfaction, Personality characteristics, loving styles, Married individuals

ازدواج از جمله ضروریات زندگی انسان است که هدفها و نیازهای متعددی را برطرف می کند. از جمله مهمترین اهداف ازدواج می توان موارد زیر را برشمرد: نیل به آرامش، تأمین نیازهای جنسی، تکامل فردی و اجتماعی و امنیت فردی و اجتماعی (نوابی نژاد، ۱۳۷۹). با شروع ازدواج و تشکیل رابطه زناشویی، رضایت زناشویی تبدیل به متغیری مهم در رابطه با کیفیت ازدواج می شود. رضایت زناشویی، احساس عینی از خشنودی و لذت تجربه شده زن و مرد با توجه به تمام جنبه های رابطه زناشویی است. به عبارت دیگر، رضایت زناشویی یکی از مهمترین مولفه در ایجاد ثبات رابطه زناشویی است (دام و همکاران، ۲۰۰۱؛ به نقل از رسولی و فرحبخش، ۱۳۸۸). رضایت زناشویی، میزانی که همسران می توانند نیازها و خواسته های یکدیگر را برآورده کنند، تعریف شده است (بارپی و لانگر، ۲۰۰۵). یکی از رایج ترین نظریه های رضایت زناشویی این است که افراد همواره به دنبال فردی هستند که شباهت بیشتری از نظر شخصیت، علایق و تمایلات رفتاری با آنها داشته باشد. در این انتخاب، رضایت زناشویی بطور قابل توجهی افزایش می یابد. زیرا هنگامی که زوجین اشتراکات و شباهت های کمی با یکدیگر دارند، امکان تعارض و درگیری زناشویی نیز افزایش می یابد (شرمن و جونز، ۱۹۹۴؛ بارپی و لانگر، ۲۰۰۵). این درحالی است که عدم رضایت زناشویی با بروز مشکلات روانی از جمله افسردگی، استرس بعد از سانحه و دیستایمیا مرتبط است (ویسمن، ۱۹۹۹).

عوامل مختلفی می تواند بر رضایت زناشویی اثرگذار باشند از جمله: رخدادهای استرس زای زندگی (ویلیامز، ۱۹۹۵)، میزان حمایت اجتماعی ادراک شده از جانب همسر (آکیتیلی و آنتونوکی، ۱۹۹۴) و شباهت همسران در ادراکات، نیازها و خصوصیات شخصیتی (براچ و اسکالت، ۱۹۸۵؛ به نقل از پیلینگ، ۲۰۰۸). ویژگی های شخصیتی افراد است که بر روابط بین زوجین تأثیرات پایداری می گذارد و برخی ویژگی های شخصیتی و اختلالات روانی نقش مهمی در روابط زناشویی دارند (جورج و همکاران، ۲۰۱۵). در حوزه شخصیت، از جمله مهمترین و با نفوذترین مدل ها، در بررسی صفات شخصیتی در دهه های اخیر، مدل پنج عاملی بوده است که بیش از همه پژوهش هایی را به خود اختصاص داده است. پنج بعد اصلی عبارتند از: نوروژگرای^۱ (تمایل فرد به تجربه اضطراب، تنش، ترحم جویی، خصومت، تکان روی، افسردگی و حرمت نفس پایین)، برون گرایی^۲ (تمایل به مثبت بودن، جرئت طلبی، پرانرژی بودن و صمیمیت)، گشودگی به تجربه یا پذیرا بودن^۳ (تمایل به کنجکاری، عشق به هنر، هنرمندی، انعطاف پذیری و خردورزی)، توافق پذیری یا سازگاری^۴ (تمایل به بخشندگی، مهربانی، سخاوت، همدلی و همفکری، نوع دوستی و اعتمادورزی)، وظیفه شناسی^۵ (تمایل فرد به منظم بودن، کارآمدی، قابلیت اعتماد و اتکا، خودنظم بخشی، منطقی بودن و پیشرفت مداری؛ شاکریان، فاطمی و فرهادیان، ۱۳۹۰). نتایج تحقیقات نشان می دهد که بین پنج عامل شخصیت و رضایت زناشویی رابطه وجود دارد. نتایج تحقیقات اشمیت، کلیگل و شاپیرو (۲۰۰۷)؛ فیشر و مک نالتی (۲۰۰۸) و لارسون، بلیک، جکسون و هولمن (۲۰۱۰) نشان داد که نوروژگرای تنها صفت شخصیتی است که همبستگی قوی با رضایت زناشویی دارد. در مقابل، پژوهش های اندکی وجود دارد که نشان دهد سایر صفات پنج عاملی با رضایت زناشویی ارتباط دارد. دانلان، کانگر و

برایانت (۲۰۰۴)، گاتیس، برنز، سیمپتون و کریستنسن (۲۰۰۴) گزارش کردند که بین برون گرایی با رضایت زناشویی رابطه ای وجود ندارد. سایر مطالعات نشان می دهد که کاهش گشودگی به تجربه، سازگاری و وظیفه شناسی با کاهش رضایت زناشویی مرتبط است (هیلر، واتسون و ایلز، ۲۰۰۴؛ ماولوف و همکاران، ۲۰۱۰). حسینی نسب، بدری و قائمیان (۱۳۸۸) و قلی زاده و همکارانش (۱۳۸۹)، رازقی و همکاران (۱۳۹۰) و چهره و همکاران (۱۳۹۶) نیز نشان دادند که ویژگی های شخصیتی، رضایت زناشویی را پیش بینی می کنند. نتایج مطالعات پیشین نشان داد که اختلال روانپزشکی در یک همسر با کاهش رضایت زناشویی مرتبط است (کوبین، تامسون و پالمر، ۲۰۰۲؛ ویسمن، یوبلاکر و وین استوک، ۲۰۰۴).

همچنین، یکی از مهمترین عوامل تعیین کننده پویایی های روابط زناشویی، وجود عشق و کیفیت آن است. عشق رمانتیک یکی از اساسی ترین ویژگی های تجربه یک انسان محسوب می شود (نتو، ۲۰۰۷). روابط همراه با عشق، بخش محوری زندگی مردم را تشکیل می دهد (دمیر، ۲۰۰۸). پیدا کردن یک همسر و ایجاد و حفظ یک رابطه بلند مدت با آن فرد یک فرایند اجتماعی حیاتی است که افراد بسیاری در تلاش برای دستیابی به آن هستند (هولمز و جانسون، ۲۰۰۹) و این رابطه نیازمند علاقه و عشق جدی است. سبک عشق به نگرش و باورهای مردم در مورد عشق برمی گردد که آن را وارد رابطه می کنند که تجربیات و رفتار آن ها را نسبت به همسرشان تعیین می کند (مک گوریک و پتیجان، ۲۰۰۸). با این حال، عشق را می توان این گونه تعریف کرد "سازه ای اجتماعی که بین افراد به دلیل هنجارها و ارزشهای فرهنگی مختلف و همچنین تجارب دوران کودکی متغیر است و بر معنایی که افراد به عشق رمانتیک نسبت می دهند، تأثیر بسزایی دارد (جکسون، چن، گوا و گائو، ۲۰۰۶). سبکهای عشق ورزی، نگرش هایی هستند که بیان کننده نحوه تعریف عشق در بافت روابط صمیمانه هستند. این نگرش ها بر احساس و نحوه رفتار زوجین تأثیر می گذارد (لی، ۱۹۷۷؛ لوین، اوین و پارک، ۲۰۰۶؛ به نقل از ویدیز و همکاران، ۲۰۱۶). باورهای افراد در مورد عشق تحت تأثیر شش سبک عشق ورزی می باشد. این سبک ها بوسیله لی (۱۹۷۳ و ۱۹۷۹) گسترش یافت و شامل سبک های شهوانی، رمانتیک، دوستانه، عشق بازیگرانه، الهی و منطقی می باشد. اولین سبک عشق، عشق رمانتیک^۶ است که بر زیبایی، جذابیت جسمانی، شدت هیجانی و تعهد تأکید می کند. یک تجربه عاطفی شدید و شبیه عشق پرشور است. افراد با سبک عشق ورزی رمانتیک، از روش رمانتیک برای عاشق شدن استفاده می کنند و کشش و گرایش قوی نسبت به طرف مقابل احساس می کنند و بلافاصله در یک نگاه عاشق می شوند. عشق بازیگرانه^۷، دومین سبک عشق ورزی است و اغلب شامل ارتباط با چندین نفر است و با هیجان خواهی، عدم خود افشایی و روابط جنسی اتفاقی، برون گرایی بالا و تجاوزکاری مرتبط است. این افراد، عشق را به عنوان یک بازی پیچیده در نظر می گیرند، اغلب با افراد مختلف و در زمان های یکسانی هستند و از این کار لذت می برند. این افراد از افرادی که به دنبال یک رابطه طولانی مدت هستند، و نیز از هر گونه نشانه ای از وابستگی یا تعهد نسبت به طرف مقابل اجتناب می کنند. سبک سوم، عشق دوستانه^۸ است که شامل همراهی عشق و

تعهد است. در عشق دوستانه، ارتباط عاطفی قوی، تعهد و حسادت نسبت به همسر اجتناب ناپذیر است و با ثبات هستند. این سبک مبتنی بر ارتباط، اعتماد و احترام به طرف مقابل است. این افراد، طرف مقابل خود را به عنوان یک دوست قدیمی که نگرش و ارزش های مشابهی با آن ها دارد، در نظر می گیرد. از این رو، هیجان های قوی نسبت به طرف مقابل خود تجربه نمی کنند. علائق، اعتماد و پذیرش مشترک که در طول سال ها بدست می آید، بخش اصلی زندگی آن ها را به خود اختصاص می دهد. سبک چهارم عشق ورزی، عشق منطقی^۹ است و با انتخاب عاقلانه مشخص می شوند و به سازگاری و تعیین اهداف آتی توجه می کنند. این افراد به ویژگی های جمعیت شناختی طرف مقابل خود توجه می کنند و به دنبال شباهت ها در وضعیت زندگی و علائق افراد می گردند که می تواند بالقوه آن فرد یک شریک خوب برای زندگی مشترک باشد. این افراد به دنبال مناسب بودن فرد از نظر موقعیت و جایگاه اجتماعی هستند. سبک دیگر، عشق شهوانی^{۱۰} شامل وابستگی شدید عاطفی و حسادت نسبت به همسر است و عزت نفس کمی دارند. حسادت و وسواس شدید نسبت به همسر دارند که با تلاش برای تحمیل عشق و تعهد از طرف مقابل مشخص می شود. این افراد از اینکه کسی عاشق آن ها شود، احساس ناامیدی می کنند و اغلب از صمیمیت و صداقت طرف مقابل تردید دارند و آن را زیر سوال می برند. در نتیجه، همواره نگران از دست دادن دیگران هستند و در روابط خود احساس ناامنی می کنند. عشق الهی^{۱۱} یا همراه با از خودگذشتگی شامل تعهد و متمرکز بر عشق، اهدا کردن، مراقبت کردن و تحمل است و با نوع دوستی، خودافشاگری، ایده آل گرایی درباره عشق و شنونده بودن مرتبط است. این افراد می خواهند تا روابط رضایت بخش و طولانی مدتی داشته باشند. عشق الهی، با نوع دوستی مشخص می شود، انتظاری از طرف مقابل ندارند و از علائق خود به خاطر طرف مقابل گذشت می کنند (لی، ۱۹۷۷، ۱۹۷۳؛ هندریک و هندریک، ۱۹۸۶، ۱۹۹۲؛ هانسلی، ۱۹۹۶).

تحقیقات نشان می دهند که سبک های عشق ورزی با شخصیت نیز رابطه دارد. جانسون و کاواناگ (۲۰۱۰) گزارش کردند که صفات تاریک شخصیت (ماکیاویلیسم، نارسسیم و سایکوپاتی) با دو سبک عشق ورزی لودوس و پراگما همبستگی دارد. همچنین، هندریک و هندریک (۱۹۸۶) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که سبک عشق ورزی رمانتیک یکی از سبک هایی است که با عزت نفس بالا و سبک شهوانی با عزت نفس پایین مرتبط است. این افراد، تنها، قطع ارتباط با زندگی و ناامیدانه به دنبال همسر هستند. ریچاردسون، مدوین و هاموک (۱۹۸۸) گزارش دادند که افراد با هیجان خواهی بالا، دارای سبک عشق ورزی بازیگرانه و افراد با هیجان خواهی پایین، سبک عشق ورزی منطقی و یا الهی دارند. وایت، هندریک و هندریک (۲۰۰۴) و هیون، سیلوا، کوری و هولن (۲۰۰۴) گزارش دادند که سبک رمانتیک با برون گرایی و وظیفه شناسی ارتباط مثبت و با نوروگرایی ارتباط منفی دارد. بین رابطه رضایت زناشویی و نوروگرایی، سبک شهوانی متغیر میانجی را ایفا می کند و نوروگرایی از طریق سبک های عشق ورزی با رضایت زناشویی ارتباط دارد. علاوه بر این، پژوهش های متعددی در مورد اهمیت سبک های عشق ورزی بر رضایت زناشویی صورت گرفته است (محمودی و حافظ الکتب، ۱۳۸۹؛ یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰؛ شکرالله زاده و مدنی، ۱۳۹۵؛ گانا،

سعدا و اونتاس، ۲۰۱۳). برای مثال، یوسفی و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که سبک عشق ورزی دوستانه، رمانتیک و واقع‌گرایانه با رضایت زناشویی رابطه مثبت و سبک‌های شهوانی، بازیگرانه و فداکارانه با رضایت زناشویی رابطه منفی دارند.

در مجموع، نگاهی به پژوهش‌های داخلی نشان می‌دهد که کلیه پژوهش‌ها به بررسی رابطه سبک‌های عشق ورزی، ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی به صورت مجزا پرداخته‌اند. با توجه به اهمیت متغیرهای ویژگی‌های شخصیتی و سبک‌های عشق ورزی در رضایت زناشویی، پژوهشی که روابط بین متغیرها را در کنار هم بررسی کرده و مدل علی آن را تدوین کرده باشد، مشاهده نشد. با توجه به آنچه مطرح شد، زوجین در زندگی زناشویی خود با مسائل و مشکلات بسیار زیادی روبرو می‌شوند و عدم حل و فصل مناسب و کارآمد این تعارضات سبب می‌شود تا میزان رضایت زناشویی زوجین به مرور زمان کاهش یابد. بنابراین، با توجه به اثرات و لطمات جبران‌ناپذیری که نارضایتی زناشویی بر خانواده و فرزندان می‌گذارد و همچنین اهمیت حفظ کانون گرم خانواده و پیشگیری از فروپاشی آن، پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال است که آیا بین سبک‌های عشق ورزی و ویژگی‌های شخصیتی با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد و آیا سبک‌های عشق ورزی در رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رضایت زناشویی نقش میانجی‌گری را ایفا می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل ساکن شهر مشهد در سال ۱۳۹۷ بوده است که از میان آن‌ها ۳۴۴ نفر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند و برای مدل‌یابی معادلات ساختاری انتخاب شدند. به منظور رعایت اصول اخلاقی، پیش از تکمیل پرسشنامه‌ها، پژوهشگران به تمام شرکت‌کنندگان این اطمینان را دادند که نتایج پرسشنامه‌ها محرمانه خواهد بود. در این تحقیق از پرسشنامه‌های ویژگی‌های جمعیت‌شناختی محقق ساخته، پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیت نئو (فرم کوتاه)، مقیاس نگرش‌های عشق هندریک و همکاران و پرسشنامه رضایت زناشویی انریچ استفاده شده است.

۱- پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی: شرکت‌کنندگان در پژوهش با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته اطلاعات خود را در مورد سن، جنس، تحصیلات و مدت ازدواج گزارش کردند.

پرسشنامه پنج‌عاملی شخصیت نئو (NEO-FFI): فرم بلند پرسشنامه پنج‌عاملی نئو دارای ۲۴۰ آیتم می‌باشد که در سال ۱۹۸۹ توسط مک کری و کاستا ساخته شد. فرم کوتاه آن شامل ۶۰ آیتم می‌باشد. پاسخگویی به عبارات آن در قالب یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای صورت می‌گیرد. این مقیاس دارای ۵ عامل تجربه‌پذیری، نوروژرایی، وظیفه‌شناسی، دلپذیربودن، برون‌گرایی می‌باشد که هر یک از ۱۲ ماده تشکیل شده است. همچنین آلفای کرونباخ آن در دامنه ۰/۶۸ تا ۰/۸۶ بدست آمده است. روایی بازآزمایی دوهفته‌ای آن بین ۰/۸۶ تا ۰/۹۰ گزارش شده است (رابینز، فرالی،

رابرتز و ترزیسنیوسکی، ۲۰۰۱). این پرسشنامه به زبان های مختلفی ترجمه شده و روایی و اعتبار آن مورد بررسی قرار گرفته است که همگی رضایت بخش گزارش شده است (زیلیگ، هیمینور و دینستیر، ۲۰۰۲). خرمائی و فرمانی (۱۳۹۳) به بررسی شاخص های روانسنجی این پرسشنامه پرداختند. ضرایب آلفای کرونباخ آن در دامنه ۰/۶۹ تا ۰/۸۳ محاسبه شد. برای بررسی روایی آن از تحلیل عاملی به روش مولفه های اصلی استفاده شد که نشان دهنده استقلال پنج عامل بزرگ شخصیتی بود.

۲- **فرم کوتاه مقیاس نگرش های عشق (LAS):** این مقیاس به وسیله هندریک و همکاران (۱۹۹۸) با هدف بررسی شش نوع سبک عشق نظریه لی که دارای ۲۴ ماده و شش سبک عشق از جمله رمانتیک (اروس)، بازیگرانه (لودوس)، دوستانه (استورگ)، شهوانی (مانیا)، منطقی (پراگما) و الهی (آگاپه) می باشد، تدوین شده است. هریک از این شش سبک عشق چهار ماده دارند که پاسخ به ماده ها به روش لیکرتی و به صورت ۵ گزینه ای از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم می باشد. هندریک و همکاران (۱۹۹۸)، ضرایب آلفای کرونباخ سبک های شش گانه عشق را محاسبه کرده اند که بین ۰/۶۸ تا ۰/۸۷ متغیر بوده است. نتایج تحقیقات نشان می دهد که این پرسشنامه، مقیاسی با روایی و اعتبار قابل قبولی است و در فرهنگ های مختلف نیز قابل استفاده است (گراهام و کریستنسن، ۲۰۰۹؛ ون شهرزاد، حوسنی و چانگ، ۲۰۱۲؛ لاسکارین وایس، لاواندرا لیریا و مدینا، ۲۰۱۷). ساختار عاملی این پرسشنامه در جامعه ایرانی بررسی و ساختار شش عامل آن تأیید شده است (عبدی و گلزاری، ۱۳۸۹). همچنین در پژوهش های مختلفی روایی و اعتبار آن مورد بررسی قرار گرفته و رضایت بخش بوده است (رجبی و خجسته مهر، ۱۳۹۱؛ مصطفائی و پیوسته گر، ۱۳۹۵).

۳- **پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ:** پرسش نامه رضایت زناشویی اینریچ که فرم ۴۷سؤالی آن توسط اولسون و فوورز (۱۹۹۸)، تهیه شد شامل ۱۱ خرده مقیاس است که عبارتند از: رضایت زناشویی، مسایل شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، نظارت مالی، فعالیت های مربوط به اوقات فراغت، روابط جنسی، فرزندپروری، بستگان و دوستان، نقش های مساوات طلبی و جهت گیری مذهبی. در این پرسشنامه از طیف پنج گزینه ای لیکرتیاز کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم استفاده شده است. فوورز و اولسون (۱۹۸۹) آلفای کرونباخ آن را ۰/۸۶ و روایی بازآزمایی را بعد از چهار هفته ۰/۸۶ بدست آورده اند (فوورز و اولسون، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۳). در ایران، اولین بار سلیمانیان (۱۳۷۳) همبستگی درونی آزمون را ۰/۹۵ محاسبه کرده است. همچنین، احمدزاده (۱۳۸۴) روایی و پایایی آن را مورد تأیید قرار داده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آماری توصیفی (مانند: میانگین، انحراف استاندارد) و نیز از همبستگی پیرسون، رگرسیون گام به گام و مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد و داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و AMOS نسخه ۲۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها

داده های جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. داده های جمعیت شناختی شرکت کنندگان در پژوهش

متغیرها	فراوانی	درصد
جنسیت	مرد	۷۵
	زن	۲۶۹
شغل	کارمند	۲۵
	خانه دار	۳۹/۳
	شغل آزاد	۴۷
	دانشجو	۷/۶
	بیکار	۱/۲
	پزشکی و پیراپزشکی	۵/۶
	سیکل	۱۱/۶
سطح تحصیلات	دیپلم	۳۱/۱
	فوق دیپلم	۱۰/۵
	لیسانس	۳۰/۲
	فوق لیسانس و بالاتر	۱۶/۶
سن (سال)	میانگین	انحراف معیار
	۳۶/۱۱	۹/۲۵
مدت ازدواج (سال)	میانگین	انحراف معیار
	۱۳/۶۳	۹/۷۵

همانطور که جدول ۱ نشان می دهد، از ۳۴۴ نفر شرکت کننده، ۷۵ مرد و ۲۶۹ نفر زن بوده اند. میانگین سنی شرکت کنندگان ۳۶/۲۱۱۵ و انحراف معیار ۹/۲۵ بوده است. اکثریت شرکت کنندگان خانه دار (۳۹/۳ درصد) و کارمند (۲۵ درصد) بوده اند. از لحاظ تحصیلات، ۴۰ نفر (۱۱/۶ درصد) مدرک سیکل، ۱۰۷ نفر (۳۱/۱ درصد) دارای مدرک دیپلم، ۳۶ نفر (۱۰/۵ درصد) فوق دیپلم، ۱۰۴ نفر (۳۰/۲ درصد) کارشناسی و ۵۷ نفر (۱۶/۶ درصد) دارای مدرک کارشناسی ارشد و دکتری بودند. میانگین مدت زمان ازدواج ۱۳/۶۳ سال و انحراف معیار ۹/۷۵ بوده است. جدول ۲، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می دهد.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار و ماتریس ضرایب همبستگی بین ویژگی های شخصیتی، سبک های عشق ورزی و رضایت زناشویی

	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱. نوروزگرایی												۱	
۲. برون گرایی											۱	-۰/۴۵**	
۳. پذیرا بودن										۱	۰/۱۱*	-۰/۱۴**	
۴. توافق پذیری									۱	۰/۰۱	۰/۲۳**	-۰/۱۷**	
۵. وظیفه شناسی								۱	۰/۱۴**	۰/۱۵**	۰/۴۲**	-۰/۲۸**	
۶. سبک رمانتیک							۱	۰/۰۹	۰/۰۶	۰/۰۹	۰/۲۵**	-۰/۲۹**	
۷. سبک بازیگرانه						۱	۰/۰۲	-۰/۰۰۵	-۰/۰۰۶	-۰/۱۵**	۰/۱۳*	-۰/۱۸**	
۸. سبک دوستانه					۱	۰/۱۲*	۰/۲۶**	-۰/۰۰۷	-۰/۰۰۷	۰/۰۷	۰/۰۵	-۰/۰۳	
۹. سبک منطقی				۱	۰/۱۶**	۰/۰۱	۰/۲۳**	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۱۹**	۰/۲۵**	-۰/۲۶**	
۱۰. سبک شهوانی			۱	۰/۱۰*	۰/۲۱**	۰/۱۶**	۰/۰۶	-۰/۰۱	-۰/۰۸	۰/۰۶	-۰/۰۶	۰/۲۵**	
۱۱. سبک الهی		۱	۰/۲۸**	۰/۱۵**	۰/۱۹**	۰/۰۳	۰/۲۵**	۰/۰۶	-۰/۰۲	-۰/۱۱*	۰/۱۱*	-۰/۰۴	
۱۲. رضایت زناشویی	۱	۰/۱۶**	-۰/۰۸	۰/۳۰**	۰/۱۳*	-۰/۱۹*	۰/۴۶**	۰/۰۸	۰/۲۰**	۰/۰۸	۰/۳۰**	-۰/۳۵**	
میانگین	۱۵۱/۳۰	۹/۳۹	۹/۵۴	۹/۱۰	۷/۰۸	۸/۷۷	۹/۴۵	۳۳/۱۴	۳۰/۱۹	۲۴/۴۲	۲۷/۴۶	۲۳	
انحراف معیار	۲۶/۲۵	۳/۳۱	۲/۸۷	۳/۳۲	۴/۰۱	۳/۰۸	۲/۷۴	۶/۳۵	۴/۷۹	۵/۱۵	۵/۸۸	۶/۵۳	

** p < ۰/۰۱ * p < ۰/۰۵

جدول ۲، میانگین و انحراف معیار و ماتریس ضرایب همبستگی بین ویژگی های شخصیتی و سبک های عشق ورزی را با رضایت زناشویی نشان می دهد. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می دهد که بین ویژگی های شخصیتی نوروزگرایی با رضایت زناشویی همبستگی منفی ($p < ۰/۰۱$; $r = -۰/۳۵$) و بین برون گرایی ($p < ۰/۰۱$; $r = ۰/۳۰$) و سازگاری ($r = ۰/۲۰$) با رضایت زناشویی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین سبک های عشق ورزی رمانتیک ($r = ۰/۴۶$; $p < ۰/۰۱$)، بازیگرانه ($r = -۰/۱۹$; $p < ۰/۰۵$)، دوستانه ($r = ۰/۱۳$; $p < ۰/۰۱$)، منطقی ($r = ۰/۳۰$; $p < ۰/۰۵$)، و الهی ($r = ۰/۱۶$; $p < ۰/۰۱$) با رضایت زناشویی همبستگی معناداری وجود داشت. برای مشخص شدن سهم هر متغیر از تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش بینی رضایت زناشویی

R	R ^۲	R ^۲ تعدیل شده	F	p	گام نهایی (گام ششم)
۰/۵۹	۰/۳۵	۰/۳۴	۳۰/۵۵	۰/۰۰۱	

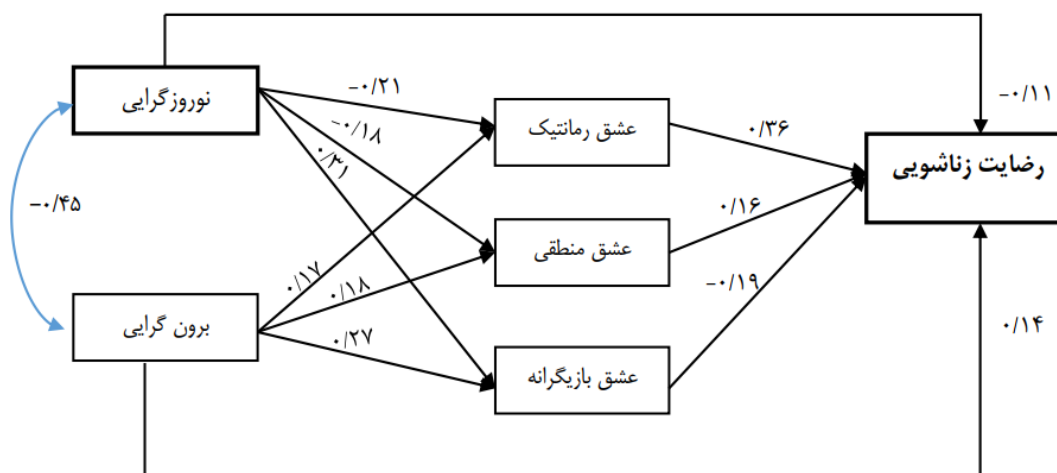
همانطور که جدول ۳ نشان می دهد، مقدار ضریب همبستگی چندگانه بین ویژگی های شخصیتی و سبک های عشق ورزی با رضایت زناشویی ۰/۵۹ و میزان R^2 برابر ۰/۳۴ می باشد. یعنی ۳۴ درصد واریانس نمرات رضایت زناشویی از طریق ویژگی های شخصیتی و سبک های عشق ورزی قابل تبیین است. به منظور بررسی معناداری ضریب همبستگی بدست آمده، از آزمون تحلیل واریانس استفاده شد که نتایج آن نشان می دهد که میزان F بدست آمده معنادار است ($F_{(۶, ۳۴۳)} = ۳۰/۵۵$ ، $p < ۰/۰۰۱$).

جدول ۴. شاخص های تحلیل رگرسیون چندمتغیره با روش ورود گام به گام

P	t	خطای استاندارد		متغیر پیش بین		متغیر ملاک
		ضریب استاندارد	ضریب	غیراستاندارد	ضریب	
		β	SE	B		
۰/۰۰۱	۷/۶۴	۰/۳۵	۰/۴۴	۳/۴۳		سبک رمانتیک
۰/۰۵	-۱/۹۰	-۰/۱۰	۰/۲۱	-۰/۴۰		نوروزگرایی
۰/۰۰۱	۳/۴۶	۰/۱۶	۰/۳۶	۱/۲۷		سبک منطقی
۰/۰۰۱	-۴/۰۲	-۰/۱۸	۰/۳۹	-۱/۵۷		سبک بازیگرانه
۰/۰۰۶	۲/۷۵	۰/۱۲	۰/۲۴	۰/۶۸		توافق پذیری
۰/۰۲	۲/۲۵	۰/۱۱	۰/۲۳	۰/۵۲		برون گرایی

نتایج جدول ۴ نشان می دهد که متغیرهای سبک رمانتیک ($\beta = ۰/۳۵$ ، $p < ۰/۰۰۱$)، نوروزگرایی ($\beta = -۰/۱۰$ ، $p = ۰/۰۵$)، سبک منطقی ($\beta = ۰/۱۶$ ، $p < ۰/۰۰۱$)، سبک بازیگرانه ($\beta = -۰/۱۸$ ، $p < ۰/۰۰۱$)، توافق پذیری ($\beta = ۰/۱۲$ ، $p < ۰/۰۰۱$) و برون گرایی ($\beta = ۰/۱۱$ ، $p < ۰/۰۵$) می توانند بطور معناداری رضایت زناشویی را پیش بینی کنند. در نهایت با توجه به معنی داری همه ضرایب بتا در مدل می توان گفت که بین ویژگی های شخصیتی نوروزگرایی، برون گرایی و توافق پذیری و نیز سبک های عشق ورزی رمانتیک، منطقی و بازیگرانه با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه سبک های عشق ورزی و ویژگی های شخصیتی با رضایت زناشویی از روش مدل یابی معادلات ساختاری استفاده شد. قبل از اجرای آن، جهت بررسی همخطی چندگانه، از آماره تحمل و شاخص تورم واریانس استفاده شد. آماره تحمل، نسبتی از واریانس کل است که بوسیله متغیرهای دیگر تبیین نمی شوند و ارزش های تحمل کمتر از ۰/۱۰ نشان دهنده هم خطی چندگانه بین متغیرها است. شاخص عامل تورم واریانس بزرگتر از ۱۰ نشان دهنده این است که آن متغیر اضافی است. ارزش های تحمل بدست آمده برای متغیرها بالای ۰/۱۰ بوده و نشان دهنده عدم وجود همخطی چندگانه بین متغیرها است. همچنین، مقدار شاخص تورم واریانس بدست آمده برای متغیرها کوچکتر از ۱۰ هستند و این نشان می دهد که بین متغیرها، همخطی چندگانه وجود ندارد. به منظور بررسی مفروضه استقلال خطا از شاخص دوربین واتسون استفاده شد. اگر مقدار آزمون دوربین واتسون کوچکتر از ۴ باشد، می توان گفت مفروضه مورد نظر مورد تخطی قرار نگرفته است. مقدار شاخص دوربین واتسون برابر با ۱/۳۲ است. بنابراین، با توجه به شاخص های بدست آمده می توان نتیجه گرفت که شرایط آزمون رعایت شده است. شکل ۱، الگوی نهایی همراه با ضرایب استاندارد مسیرها را نشان می دهد.



شکل ۱. الگوی نهایی و ضرایب مسیر

در الگوی این پژوهش، برای تعیین کفایت برازندگی الگوی پیشنهادی با داده های ترکیبی از شاخص های برازندگی استفاده شد. شکل ۱، ضرایب استاندارد مسیر مربوط به روابط بین متغیرهای مدل را نشان می دهد. جدول ۶ شاخص های برازش مدل اصلاح شده نهایی را در نمونه مورد نظر نشان می دهد.

جدول ۵. شاخص های برازندگی مدل اصلاح شده

شاخص برازش	χ^2	df	χ^2/df	RMSEA	GFI	AGFI	IFI	TLI	CFI	NFI
مدل اصلاح شده	۷/۸۸*	۳	۲/۶۲	۰/۰۶	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۹۲	۰/۹۸	۰/۹۷

* $P < ۰/۰۵$

بر اساس جدول ۵، نتایج نشان می دهند که شاخص های برازندگی مدل اصلاح شده شامل شاخص مجذور خی دو ($\chi^2 = ۷/۸۸$)، مجذور خی دو نسبی ($\chi^2/df = ۲/۶۲$)، شاخص نیکویی برازش ($GFI = ۰/۹۹$)، شاخص نیکویی برازش انطباقی ($AGFI = ۰/۹۴$)، شاخص برازش مقایسه ای ($CFI = ۰/۹۸$)، شاخص برازندگی افزایش ($IFI = ۰/۹۸$)، شاخص برازندگی توکر-لویس ($TLI = ۰/۹۲$) و جذر میانگین مجذورات خطای تقریب ($RMSEA = ۰/۰۶$) حاکی از برازش مطلوب مدل اصلاح شده است. بنابراین، مدل اصلاح شده یا نهایی از برازندگی مطلوبی برخوردار است. جدول ۷، مسیرها و ضرایب استاندارد آن ها را در الگوی اصلاح شده نهایی با استفاده از روش بوت استروپ را نشان می دهد.

جدول ۶. نتایج مربوط به اثرات مستقیم الگو

سطح معناداری	پارامترهای برآورد شده			متغیرها
	خطا	استاندارد	غیراستاندارد	
۰/۰۳	۰/۲۱	-۰/۱۱	-۰/۴۵	اثر نوروزگرایی بر رضایت زناشویی
۰/۰۰۱	۰/۰۲	-۰/۲۱	-۰/۰۹	اثر نوروزگرایی بر سبک رمانتیک
۰/۰۰۲	۰/۰۲	-۰/۱۸	-۰/۰۹	اثر نوروزگرایی بر سبک منطقی
۰/۰۰۱	۰/۰۲	۰/۳۱	۰/۱۴	اثر نوروزگرایی بر سبک بازیگرانه
۰/۰۰۶	۰/۲۳	۰/۱۴	۰/۶۳	اثر برون گرایی بر رضایت زناشویی
۰/۰۰۳	۰/۰۲	۰/۱۷	۰/۰۷	اثر برون گرایی بر سبک رمانتیک
۰/۰۰۱	۰/۰۳	۰/۲۷	۰/۱۴	اثر برون گرایی بر سبک بازیگرانه
۰/۰۰۱	۰/۴۴	۰/۳۶	۳/۴۱	اثر سبک رمانتیک بر رضایت زناشویی
۰/۰۰۱	۰/۳۶	۰/۱۵	۱/۲۷	اثر سبک منطقی بر رضایت زناشویی
۰/۰۰۱	۰/۳۹	-۰/۱۸	-۱/۵۹	اثر سبک بازیگرانه بر رضایت زناشویی

جدول ۶، اثر مستقیم ویژگی های شخصیتی (نوروزگرایی و برون گرایی) بر متغیر واسطه ای (سبک عشق ورزی) و نیز متغیر وابسته (رضایت زناشویی) را نشان می دهد. سبک های عشق ورزی رمانتیک، منطقی و بازیگرانه می تواند سبک های رضایت زناشویی را پیش بینی کند. همچنین ویژگی های شخصیتی نوروزگرایی و برون گرایی نیز، سبک های عشق ورزی رمانتیک، منطقی و بازیگرانه را پیش بینی می کند. در ادامه، با روش بوت استروپ، اثر غیرمستقیم ویژگی های شخصیتی با واسطه گری سبک های عشق ورزی بر رضایت زناشویی مورد بررسی قرار گرفت. جدول ۷، نتایج اثرات غیرمستقیم را نشان می دهد.

جدول ۷. نتایج بررسی اثرات غیرمستقیم سبک های عشق ورزی بر رضایت زناشویی

سطح معناداری	پارامترهای برآورد شده			متغیر درون زاد	متغیر میانجی	متغیر برون زاد
	خطا	استاندارد	غیراستاندارد			
۰/۰۰۹	۰/۰۲	-۰/۰۸	-۰/۳۵	رضایت زناشویی	سبک رمانتیک	نوروزگرایی
۰/۰۱	۰/۰۲	-۰/۰۳	-۰/۱۵	رضایت زناشویی	سبک منطقی	
۰/۰۰۱	۰/۰۲	-۰/۰۵	۰/۲۲	رضایت زناشویی	سبک بازیگرانه	
۰/۰۰۳	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۲۷	رضایت زناشویی	سبک رمانتیک	برون گرایی
۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۱۷	رضایت زناشویی	سبک منطقی	
۰/۰۴	۰/۰۳	-۰/۰۵	۰/۲۲	رضایت زناشویی	سبک بازیگرانه	

همان گونه که در جدول ۷ مشاهده می شود، ضریب استاندارد مسیرهای نوروزگرایی با میانجیگری سبک های عشق ورزی رمانتیک و منطقی و نیز برون گرایی با میانجیگری سبک رمانتیک به رضایت زناشویی معنادار است. نوروزگرایی و برون گرایی با

رضایت زناشویی از طریق سبک های عشق ورزی رمانتیک، منطقی و بازیگرانه معنادار است. بنابراین، نقش میانجیگری سبک های عشق ورزی رمانتیک، منطقی و بازیگرانه مورد تأیید قرار می گیرد.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش واسطه ای سبک های عشق ورزی در رابطه ویژگی های شخصیتی با رضایت زناشویی افراد متأهل شهر مشهد انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان داد که بین ویژگی های شخصیتی و سبک های عشق ورزی با رضایت زناشویی همبستگی معناداری وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نیز حاکی از آن بود که ۳۴ درصد از کل واریانس رضایت زناشویی با متغیرهای ویژگی های شخصیتی و سبک های عشق ورزی پیش بینی می شود. همچنین نوروگرایی و برون گرایی از طریق سبک های عشق ورزی رمانتیک، منطقی و بازیگرانه هم به طور مستقیم و هم غیرمستقیم با رضایت زناشویی رابطه دارند و برازش مدل آن مورد تأیید قرار گرفت.

همچنین، نتایج پژوهش نشان داد که بین نوروگرایی با رضایت زناشویی رابطه منفی و بین برون گرایی و توافق پذیری با رضایت زناشویی رابطه مثبتی وجود دارد ولی بین پذیرا بودن و وظیفه شناسی با رضایت زناشویی رابطه ای مشاهده نشد. نتایج تحقیق حاضر با یافته های قلی زاده و همکاران (۱۳۸۹)، رازقی و همکاران (۱۳۹۰)، چهره و همکاران (۱۳۹۶)، شاکریان، فاطمی و فرهادیان (۱۳۹۰)، کلاکستون، او رارک و اسمیت (۲۰۱۲)، اشمیت، کلیگل و شاپیرو (۲۰۰۷) همسو و هماهنگ می باشد.

در تبیین این یافته می توان گفت که نوروگرایی در تحقیقات مختلف پیش بینی کننده قوی رضایت زناشویی پایین بوده است. افرادی که نمره بالایی در آن می گیرند، ثبات عاطفی ندارند، درگیر هیجان های منفی مانند ترس، اضطراب، استرس، افسردگی، خصومت می شوند و نمی توانند مسائل و مشکلات خود به ویژه مسائل بین خود و همسرشان را حل و فصل کنند. این مسئله روی رضایت از زندگی زناشویی زوجین تأثیر منفی می گذارد و احتمال جدایی و بروز پدیده طلاق را افزایش می دهد. وجود هرگونه مشکلات روانشناختی مانند افسردگی، اضطراب، در یکی از زوجین یا هر دو سبب می شود تا زوجین به سمت رفتارهایی گرایش پیدا کنند که هرگونه رفتارها و بازخوردهای مثبت را کاهش می دهد و در نتیجه تعاملات به ویژه تعاملات مثبت کمتر شده و رضایت زوجین با افت قابل توجهی مواجه می شود. افراد برون گرا نیز هیجان های مثبتی را تجربه می کنند که سبب می شود تا عشق و صمیمیت بیشتری را در ارتباط با همسر خود تجربه کنند. افراد برون گرا براحتی احساسات و عواطف خود را بروز می دهند و اهل معاشرت هستند و در نتیجه صمیمیت بیشتری را در رابطه زناشویی شان تجربه می کنند. برای بهتر ساختن رابطه زناشویی شان تلاش می کنند و نسبت به زندگی زناشویی و نسبت به زندگی خود نگرش و احساسات مثبت تری تجربه می کنند که خود این امر باعث می شود تا زوجین رضایت زناشویی بیشتری تجربه کنند. درحالی که درون گراها ترجیح می دهند تا بیشتر تنها باشند و اهل معاشرت نیستند. به سختی احساسات و عواطف خود را نسبت به دیگران بخصوص همسرشان ابراز می کنند. مایل هستند تا کارهایشان را بدون حضور دیگران انجام دهند که این امر روی رضایت زناشویی و رضایت از رابطه تأثیر منفی می گذارد. سازگاری و انعطاف پذیری نیز شامل همکاری و همدردی با دیگران است. این خصیصه شخصیتی سبب می شود تا زوجین بتوانند راحت تر با هم همکاری داشته باشند و به یکدیگر اعتماد داشته باشند و به خواسته های همسر خود توجه کنند و این مسئله رضایت زناشویی را افزایش می دهد. افراد با انعطاف پذیری بالا، رک گو، دیگردوست، دل رحم و متواضع هستند.

داشتن این ویژگی ها سبب می شود تا این افراد باور داشته باشند که دیگران به ویژه همسرشان قصد کمک به آن ها را دارند و در نتیجه این افراد هم به همسر خود کمک می کنند و هم اجازه می دهند تا همسرشان کمک کننده به آن ها باشد. نتیجه این امر، افزایش رضایت و صمیمیت زناشویی است.

یافته دیگر تحقیق نشان داد که سبک های بازیگرانه با رضایت زناشویی همبستگی منفی و سبک های عشق ورزی رمانتیک، دوستانه، منطقی و الهی با رضایت زناشویی همبستگی مثبت و معناداری دارد. بین سبک شهوانی با رضایت زناشویی رابطه معناداری مشاهده نشد. این یافته با نتایج پژوهش های محمودی و حافظ الکتب (۱۳۸۹)، شکرزاده و مدنی (۱۳۹۵)، گانا، سعدا و اوتناس (۲۰۱۳) هماهنگ می باشد. نتایج تحقیق یوسفی و همکاران (۱۳۸۸) نشان داد که سبک عشق ورزی رمانتیک با کیفیت رابطه زناشویی رابطه منفی دارد که ناهمخوان با یافته تحقیق کنونی بود. محمودی و حافظ الکتب (۱۳۸۹) گزارش کردند که سبک های عشق ورزی رمانتیک، شیفتگی، کامل و احمقانه، رضایتمندی زناشویی بیشتری را در مقایسه با افراد با سبک عشق ورزی پوچ (منطقی)، همدلانه (دوستانه) تجربه می کنند. اکثر پژوهشها از پرسشنامه عشق استرنبرگ استفاده کرده اند در حالی که در این پژوهش از مقیاس نگرش های عشق هندریک و همکاران استفاده شده است.

در تبیین یافته ها می توان این چنین گفت که عشق رمانتیک، همراه با هوس، صمیمیت و نزدیکی فیزیکی است که روی رضایت زناشویی تأثیر مثبت می گذارد. این نوع نگرش نسبت به عشق براساس زیبایی و جذابیت فیزیکی شکل می گیرد که سبب می شود زوجین بسیار نسبت به یکدیگر علاقمند باشند. همانطور که نتایج تحقیق نیز نشان داد، این سبک عشق ورزی توان پیش بینی قوی در مقایسه با سایر سبک های عشق ورزی برای رضایت زناشویی دارد. این امر نشان می دهد که در رضایت زناشویی مسئله جذابیت فیزیکی و زیبایی ظاهری نقش مهمی دارد. این افراد، برون گرا تر هستند و عزت نفس بالا به آن ها کمک می کند تا بتوانند تعاملات بهتری با همسر خود داشته باشند. علاوه براین، صمیمیت فیزیکی برای این افراد بسیار مهم است و چون صمیمیت فیزیکی و جذابیت فیزیکی و ظاهری یکی از ابعاد صمیمیت زناشویی محسوب می شود، روی صمیمیت زناشویی و بطور کلی روی رضایت زناشویی تأثیر بالایی می گذارد. افرادی که سبک عشق ورزی بازیگرانه دارند، رضایت زناشویی پایینی تجربه می کنند. زیرا این افراد به صورت همزمان با چندین نفر در ارتباط هستند و از این کار لذت می برند و مشکلی با این مسئله ندارند. این سبک عشق ورزی سبب می شود تا همسر آن ها رضایت زناشویی پایینی را تجربه کند که می تواند در نهایت به طلاق ممکن است ختم شود. عشق دوستانه سبب می شود تا زوجین به تدریج صمیمیت بین خود را افزایش دهند و به مرور بیشتر در مورد خود صحبت می کنند و اطلاعات بیشتری در اختیار همسر خود قرار می دهند که این مسئله رضایت زناشویی را افزایش می دهد. در عشق منطقی، افراد واقع بین و عملگرا هستند و به دنبال دستیابی به سازگاری هستند و در انتخاب همسر آینده خود نیز کمتر به جذابیت فیزیکی همسر خود توجه می کنند. این سبک غالب روی انتخاب همسر نیز تأثیر می گذارد. افراد با سبک عشق منطقی، این موضوع سبب می شود تا رضایت زناشویی پایدارتری را تجربه کنند. سبک عشق ورزی شهوانی با رضایت زناشویی رابطه منفی دارد. می توان گفت این افراد همواره نگران از دست دادن همسر خود هستند و به شدت به همسر خود وابسته هستند. همچنین این افراد حسادت و بدبینی نسبت به همسر خود دارند که خود این مسئله رضایت زناشویی را کاهش می دهد. زیرا منجر به تعارضات زناشویی و به مرور سرخوردگی یکی از زوجین می شود. عشق الهی (فداکارانه) نیز چون فرد معتقد است که باید از همسر خود مراقبت کند و بیش از حد بخشنده است، سبب می شود تا رضایت زناشویی همچنان افزایش یابد. افراد با سبک عشق

الهی، نوع دوست و فداکار هستند و به صداقت در رابطه بیشتر از سایر ویژگی ها توجه می کنند. مجموع این ویژگی های سبب می شود تا این افراد به همسر خود متعهد و وفادار بمانند و برای بهبود صمیمیت و رضایت زناشویی خود گام بردارند.

بطور کلی نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ویژگی های شخصیتی و سبک های عشق ورزی بر میزان رضایت زناشویی اثر می گذارند و این دو متغیر با هم می توانند رضایت زناشویی را پیش بینی کنند. علاوه بر این، نقش میانجی سبک های عشق ورزی رمانتیک، منطقی و بازیگرانه نیز مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین پیشنهاد می شود که روش های درمانی موثری با بهره گیری و هدف قرار دادن ویژگی های شخصیتی و سبک های عشق ورزی در جهت افزایش رضایت زناشویی تدوین شود. همچنین در پژوهش های آتی پیشنهاد می شود سایر متغیرهایی که بر رضایت زناشویی اثرگذار هستند، شناسایی شده و مورد مطالعه قرار بگیرند. این پژوهش با محدودیت هایی نیز روبرو بوده است. از جمله: نمونه گیری در دسترس، استفاده از پرسشنامه های خود گزارش دهی، عدم تکمیل پرسشنامه توسط هر دو زوج.

یادداشت ها:

- | | |
|--------------------------|-----------|
| 1 Neuroticism | 7 Lodos |
| 2 Extraversion | 8 Storg |
| 3 Openness to experience | 9 Pragma |
| 4 Agreeableness | 10 Mania |
| 5 Conscientiousness | 11 Agapeh |
| 6 Eros | |

منابع:

۱. احمدزاده، ا. (۱۳۸۴). بررسی رابطه میان رضایت زناشویی و سلامت روان در بین دبیران زن و مرد شاغل در مقطع متوسطه دبیرستانهای شهر تهران در سال تحصیلی ۸۴-۱۳۸۳. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه تربیت معلم.
۲. چهره، ه؛ ازگلی، گ؛ ابوالعالی، خ؛ نصیری، م. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط ویژگی های شخصیتی و رضایت زناشویی براساس مدل پنج عاملی بزرگ شخصیتی: مرور سیستماتیک. *مجله دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ۲۲(۵): ۱۳۲-۱۲۱.
۳. حسینی نسب، د؛ بدری گرگری، ر؛ قائمیان اسکویی، آ. (۱۳۸۸). رابطه ویژگی های شخصیتی و سبک های حل تعارض بین فردی با سازگاری زناشویی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز. *فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۱(۲): ۷۸-۵۷.
۴. خرمائی، فرهاد؛ فرمائی، اعظم. (۱۳۹۳). بررسی شاخص های روانسنجی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت. *روش ها و مدل های روانشناختی*، ۴(۱۶): ۳۹-۲۹.
۵. رجبی، ر؛ عباسی، ق؛ خجسته مهر، ر. (۱۳۹۱). بررسی رابطه نگرش های جنسی، سبک های عشق ورزی و معیارهای انتخاب همسر در دانشجویان. *مجله پژوهش های مشاوره*، ۱۲(۴۵): ۱۶۴-۱۴۹.
۶. رازقی، ن؛ نیکی جو، م؛ کراسکیان موجهباری، آ؛ ظهرابی مسیحی، آ. (۱۳۹۰). رابطه پنج عامل بزرگ شخصیت با رضایت زناشویی. *روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۷(۲۷): ۲۷۷-۲۶۹.

۷. رسولی، ز؛ فرح بخش، ک. (۱۳۸۸). رابطه سبکهای دلبستگی و منبع کنترل با سازگاری زناشویی. *اندیشه و رفتار در روانشناسی بالینی*، ۴(۱۳): ۱۷-۲۴.
۸. سلیمانیان، ع. ا. (۱۳۷۳). بررسی تاثیر تفکرات غیر منطقی بر نارضایتی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
۹. شاکریان، ع؛ فاطمی، ع؛ فرهادیان، م. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین ویژگی های شخصیتی با رضایتمندی زناشویی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی کردستان*، ۱۶(۱): ۹۲-۹۹.
۱۰. شکرالله زاده، م؛ مدنی، ی. (۱۳۹۵). نقش سبک های هویتی و عشق ورزی در پیش بینی رضایت زناشویی. *دوفصلنامه آسیب شناسی، مشاوره و غنی سازی خانواده*، ۲(۱): ۸۹-۷۹.
۱۱. عبدی، ح؛ گلزاری، م. (۱۳۸۹). ارتباط بین سبک های عشق و ویژگی های شخصیتی. *روانشناسی دین*، ۳(۳): ۷۴-۵۳.
۱۲. قلی زاده، ز؛ برزگری، ل؛ غریبی، ح؛ باباپورخیرالدین، ج. (۱۳۸۹). بررسی رابطه پنج عاملی شخصیتی NEO-FFI با رضایت زناشویی. *روانشناسی بالینی و شخصیت*، ۱۷(۴۳): ۶۶-۵۷.
۱۳. مصطفائی، ف؛ پیوسته گر، م. (۱۳۹۵). پیش بینی سبک عشق ورزی بر اساس سبک دلبستگی دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی رودهن. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*، ۳(۲): ۲۰-۱۱.
۱۴. محمودی، ر؛ حافظ الکتب، ل. (۱۳۸۹). رابطه سبک های عشق ورزی و رضایتمندی زناشویی. *تحقیقات روانشناختی*، ۲(۶): ۱۱۴-۱۰۱.
۱۵. نوایی نژاد، ش. (۱۳۷۹). مشاوره ازدواج. تهران: انتشارات رشد.
۱۶. یوسفی، ن؛ بشلیده، ک؛ عیسی نژاد، ا؛ اعتمادی، ع؛ شیربیگی، ن. (۱۳۹۰). رابطه سبک های عشق ورزی و کیفیت زناشویی در میان افراد متأهل. *مشاوره کاربردی*، ۱(۱): ۳۶-۲۱.

17. Burpee, L. C., & Langer, E. J. (2005). Mindfulness and marital satisfaction. *Journal of Adult Development*, 12, 43-51.
18. Coyne, J. C., Thompson, R., & Palmer, S. C. (2002). Marital quality, coping with conflict, marital complaints, and affection in couples with a depressed wife. *Journal of family psychology*, 16(1), 26.
19. Donnellan, M. B., Conger, R. D., & Bryant, C. M. (2004). The big five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*, 38, 481-504.
20. Demir, M. (2008). Sweetheart, you really make me happy: Romantic relationship quality and personality as predictors of happiness among emerging adults. *Journal of Happiness Studies*, 9(2), 257-277.
21. Fisher, T. D., & McNulty, J. K. (2008). Neuroticism and marital satisfaction: The mediating role played by the sexual relationship. *Journal of Family Psychology*, 22(1), 112-122.
22. Fowers, B. J., Olson, D. H. (1993). ENRICH Marital Satisfaction Scale" A brief research and clinical tool. *Journal of family therapy*, 7(2): 176-195.
23. Fowers, B. J., & Olson, D. H. (1989). ENRICH Marital Inventory: A discriminant validity and cross-validation assessment. *Journal of marital and family therapy*, 15(1), 65-79.
24. Gana, K., Saada, Y., & Untas, A. (2013). Effects of love styles on marital satisfaction in heterosexual couples: A dyadic approach. *Marriage & Family Review*, 49(8), 754-772.
25. Graham, J. M., Christiansen, K. (2009). The reliability of romantic love: A reliability generalization meta-analysis. *Personal relationship*, 16(1):49-66.
26. Gattis, K. S., Berns, S., Simpson, L. E., & Christensen, A. (2004). Birds of a feather or strange birds? Ties among personality dimensions, similarity and marital quality. *Journal of Family Psychology*, 18, 564-574.
27. George, D., Luo, S., Webb, J., Pugh, J., Martinez, A., & Foulston, J. (2015). Couple similarity on stimulus characteristics and marital satisfaction. *Personality and Individual Differences*, 86: 126-131.
28. Heaven, P. C., Da Silva, T., Carey, C., & Holen, J. (2004). Loving styles: Relationships with personality and attachment styles. *European Journal of Personality*, 18(2), 103-113.
29. Hendrick, C. & Hendrick, S. (1986). A theory and method of love. *Journal of Personality and Social Psychology*, 50, 392-402.
30. Hendrick, S. S., & Hendrick, C. (1992). Romantic love. Thousand Oaks, CA, USA: Sage.

31. Hensley, W. E. (1996). The effect of a ludus love style on sexual experience. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 24(3), 205-212.
32. Heller, D., Watson, D., & Iles, R. (2004). The role of person versus situation in life satisfaction: A critical examination. *Psychological Bulletin*, 130, 574–600.
33. Holmes, B. M., & Johnson, K. R. (2009). Adult attachment and romantic partner preference: A review. *Journal of Social and Personal Relationships*, 26(6-7), 833-852.
34. Jonason, P. K., & Kavanagh, P. (2010). The dark side of love: Love styles and the Dark Triad. *Personality and Individual Differences*, 49(6), 606-610.
35. Jackson, T., Chen, H., Guo, C., & Gao, X. (2006). Stories we love by: Conceptions of love among couples from the People's Republic of China and the United States. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 37(4), 446-464.
36. Larson, J. H., Blick, R. W., Jackson, J. B., Holman, T. B. (2010). Partner Traits That Predict Relationship Satisfaction for Neurotic Individuals in Premarital Relationships. *Journal of sex and marital therapy*, 36:430-444.
37. Levine, T. R., Aune, K. S., & Park, H. S. (2006). Love styles and communication in relationships: Partner preferences, initiation and intensification. *Communication Quarterly*, 54, 465-486.
38. Lee, J. A. (1977). A typology of styles of loving. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 3(2), 173-182.
39. Lee, J. A. (1973). *Colours of love: An exploration of the ways of loving*. Toronto, Canada: New Press.
40. Lascrain Wais, P. C., Lavandera Liria, M. C., Manzanares Medina, E. (2017). Psychometric properties of the love attitude scale in Peruvian undergraduate students. *Acta Colombiana de Psicología*, 20(2): 282-293.
41. McCrae, R. R., Costa, P. T. (2004). A contemplated revision of the NEO five-factor inventory. *Personality and individuals differences*, 36: 587-596.
42. McGuirk, E. M., & Pettijohn, T. F., II (2008). Birth order and romantic relationship styles and attitudes in college students. *North American Journal of Psychology*, 10(1), 37-52.
43. Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Schutte, N.S., Bhullar, N., Rooke, S. E. (2010). The Five-Factor Model of personality and relationship satisfaction of intimate partners: A meta-analysis. *Journal of research in personality*, 44, 124-127.
44. Neto, F. (2007). Love styles: A cross-cultural study of British, Indian, and Portuguese college students. *Journal of Comparative Family Studies*, 38, 239-254
45. Olson, D. H., Fowers, B. J. (1993). Five type of marriage: an empirical typology based on ENRICH. *The family journal*, 1(3): 196-207.
46. Peleg, O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: What can be learned from married people over the course of life?. *The American Journal of Family Therapy*, 36(5), 388-401.
47. Robins, R. W., Fraley, R. C., Roberts, B. W., & Trzesniewski, K. H. (2001). A longitudinal study of personality change in young adulthood. *Journal of personality*, 69(4), 617-640.
48. Richardson, D. R., Medvin, N., & Hammock, G. (1988). Love styles, relationship experience, and sensation seeking: A test of validity. *Personality and Individual Differences*, 9(3), 645-651.
49. Schmitt, M., Kliegel, M., Shapiro, A. (2007). Marital interaction in middle and old age: a predictor of marital satisfaction? *The international journal of aging and human development*, 65(4), 283-300.
50. Sherman, R. G., & Jones, J. H. (1994). Exchange on the MyersBriggs type indicator: A response to the article on "The validity of the Myers-Briggs type indicator for predicting expressed marital problems." *Family Relations*, 43, 94–95.
51. Vedes, A., Hlpert, P., Nussbeck, F. W., Randall, A. K., Bodenmann, G., Lind, W. R. (2016). Love styles, coping, and relationship satisfaction: A dyadic approach. *Personal relationship*, 23(1): 84-97.
52. White, J. K., Hendrick, S. S., & Hendrick, C. (2004). Big Five personality variables and relationship constructs. *Personality and Individual Differences*, 37, 1519–1530.
53. Wan Shahrzad, W. S., Hoesni, S. M., Chong, S. T. (2012). Investigating the factor structure of the Love Attitude Scale (LAS) with Malaysian samples. *Asian Social Science*, 8(9):66-73.
54. Whisman, M. A., Uebelacker, L. A., & Weinstock, L. M. (2004). Psychopathology and marital satisfaction: The importance of evaluating both partners. *Journal of consulting and clinical psychology*, 72(5), 830.
55. Whisman, M. A. (1999). Marital dissatisfaction and psychiatric disorders: Results from the national comorbidity survey. *Journal of Abnormal Psychology*, 108(4), 701-706.

56. Zillig, L. M. P., Hemenover, S. H., & Dienstbier, R. A. (2002). What do we assess when we assess a Big 5 trait? A content analysis of the affective, behavioral, and cognitive processes represented in Big 5 personality inventories. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 28(6), 847-858.